یکشنبه 30 شهریور 1393 - 07:52

طبیب چه طوری باشد، دوست دارید ؟

روزی جراح قلبی برای تعمیر خودرویش به تعمیرگاه رفت. مکانیک در حالی که با موتور خودرو ور می رفت، رو به جراح گفت «این موتور، قلب خودروست. چرا من قلب خودروی تو را درست می کنم و دستمزدم به یک صدم دستمزد تو که قلب مرا جراحی کردی، نمی رسد؟ » جراح خندید که « اگر راست می گویی وقتی خودرو روشن است، تعمیرش کن!»

اخلاق پزشکی از نگاه اسلام

طبیب چه طوری باشد، دوست دارید ؟

روزی جراح قلبی برای تعمیر خودرویش به تعمیرگاه رفت. مکانیک در حالی که با موتور خودرو ور می رفت، رو به جراح گفت «این موتور، قلب خودروست. چرا من قلب خودروی تو را درست می کنم و دستمزدم به یک صدم دستمزد تو که قلب مرا جراحی کردی، نمی رسد؟ » جراح خندید که « اگر راست می گویی وقتی خودرو روشن است، تعمیرش کن!»

نگران نشوید منظورمان از این داستان تایید تعرفه بالای برخی پزشکان نیست اما به هر حال در همه جای دنیا، دستمزد یک پزشک جراح قلب از یک مکانیک به علت اهمیت حرفه پزشکی و سر کار داشتن با جان مردم بیشتر است و پاسخ این جراح به مکانیک هم اشاره ای به همین موضوع است اما مهارت پزشک در درمان بیماری تنها اصل لازم برای تبدیل شدن او به یک پزشک ایده آل نیست.

مردم از پزشکان انتظار اخلاق انسانی و احترام دارند حال آن که برخی از متخصص ها با وجود داشتن مهارت و دانش ، به این نکته توجه ندارند و برخوردشان با بیماران، تحقیر آمیز و غیرم<دبانه است و به همین خاطر همیشه ، در هر خبری که درباره پزشکان در رسانه ها منتشر می کنیم گروهی از مخاطبان در تماس با ما، از رفتار ناخوشایند پزشکان گله دارند مثلاً یکی از زیر میزی می نالد، آن دیگری تعریف می کند که پزشکش حتی پاسخ سلامش را هم نمی دهد چه برسد به پاسخ پرسش هایش درباره وضعیت سلامتش و دیگری هم می گوید پیگیری وضعیت سلامتش برای پزشکش آنقدر بی اهمیت بوده که وسط دوره درمانی اش، بی خبر برای سفر تفریحی به خارج از کشور رفته است.

به خاطر همین گلایه هاست که می خواهیم برخی ویژگی های پزشک را از دیدگاه اسلام یادآوری کنیم تا دستکم اگر قانون مشخص و قوی برای رعایت اخلاق حرفه ای پزشکان در کشورمان تنظیم نشده ، یاد برخی بیندازیم که دین مان، در 1400 سال پیش ، راه و رسم رفتار حرفه ای را به آنها آموزش داده است.

یکی از این نکات اخلاقی جالب، تاکید بر رفتار آرامش بخش با بیماران است که بهترین گواهش گفتگوی حضرت موسی (ع) با خداوند به نقل از امام صادق (ع) است. به حضرت موسی (ع) وقتی از خداوند پرسید « درد از کیست؟» پروردگار به او پاسخ داد « از من » و هنگامی که حضرت پرسید درمان از کیست ؟ خداوند بار دیگر به او گفت « از من » و آنگاه موسی (ع) از خداوند پرسید اگر چنین است پس بندگان تو با معالج چه کار دارند؟ خداوند پاسخ داد « او با این کار ، دلهای بیماران را پاکیزه و خرسند می سازد.»

شفای واقعی بر اساس این حدیث به اراده پروردگار است و پزشک در این میان وسیله ای است که یکی از وظایف مهمش آرام کردن دل بیماران است. شاید به همین علت است که واژه طب به معنای مدارا کردن، به عنوان معادلی برای واژه پزشکی به کار برده می شود و طبیب یعنی آن که با بیمار مدارا می کند و به او آرامش و امید می دهد چرا که علم ثابت کرده است ناامیدی، راه مرگ را هموار می کند و میان دو بیمار با شرایط مشابه که یکی امیدوار و آن دیگری ناامید است، احتمال علمی بهبود کسی که امید دارد بسیار بیشتر است.

موسی تو هم برو دکتر !

گرچه پزشک واسطه ای میان بیمار و پروردگار است اما خداوند بر لزوم مراجعه به طبیب تأکید می کند و به هیچ مؤمنی توصیه نمی کند که به جای مراجعه به پزشک، چشم انتظار معجزه بماند.

دراین باره آیت الله شیخ حسنعلی نخودکی هم داستانی دیگر از زمانی نقل می کند که حضرت موسی (ع) به قولنج مبتلا شد و در مناجاتش با خدا در کوه طور از خداوند شفا خواست. به او خطاب شد که « ای موسی! به طبیب مراجعه کن. »

موسی (ع) گفت « خدایا اگر به طبیب مراجعه کنم آنوقت به مردم چه پاسخی بدهم اگر بگویند تو که کلیم اللهی و مرده ها را زنده می کنی و کورها را شفا می دهی ، چگونه نمی توانی بیماری خودت را درمان کنی ؟ » پروردگار به او پاسخ داد : « ای موسی ، ما این گیاهان را بیهوده نیافریده ایم ودانش طب را نیز بیهوده به انسان ها الهام نکردیم . آیا چون تو موسی هستی انتظار داری همه اینها را بیهوده بگذاریم و بی سبب بیماری ات را شفا دهیم؟ »

امام صادق (ع) هم در حدیثی به مساله استفاده از دارو اشاره می کند و می گوید : « خداوند درد را می دهد و شفای آن را نیز می دهد و بیماری را خلق نمی کند مگر آن که برایش دوایی در نظر گرفته باشد پس دارو را بخورید و نام خداوند را بر زبان آورید.» اما چه کسی قرار است بیماری را تشخیص دهد و داروی صحیح را تجویز کند تا به قول حضرت علی (ع) جسم بیمار با داروی نادرست تباه نشود ؟ طبیعتاً پزشک. به همین علت است که در این قسمت اسلام به مسأله تبحر و تخصص پزشک اشاره می کند و حتی مجازات سختی برای مدعیان غیرماهر در نظر می گیرد تا جایی که حضرت علی (ع) می گوید « امام وظیفه دارد

عالمان تبهکار و پزشکان نادان را به زندان بیندازد. »
در حدیثی دیگر امام صادق (ع) درباره هر صاحب حرفه ای که مرتکب اشتباه شود، می فرماید « هر صاحب حرفه ای که برای انجام کار درست دستمزد می گیرد اما آن را خراب می کند ، ضامن است. » منظور از ضامن در این حدیث این است که باید ضرر و زیان خطایش را جبران کند و پزشک هم از این قاعده مستثنی نیست.

پزشک هم می تواند زخم بزند

بر اساس تعالیم اسلام، پزشک نمونه باید مؤمن و خیرخواه بیمار باشد. به طوری که حضرت علی (ع) درباره این ویژگی می گوید « هر کس طبابت می کند باید تقوا داشته باشد و خیرخواهی و جدیت پیشه کند. » کلمه جدیت در حدیث حضرت علی (ع) ترجمه « جهد» از ریشه اجتهاد است که معنای آن به کارگیری همه توان یک فرد در راه رسیدن به هدف است. خیرخواهی نیز ترجمه کلمه « صلح » است که یعنی پزشک باید صلاح بیمار را به سود خودش ترجیح بدهد.

این خیرخواهی اما اختیاری نیست و بی توجهی به آن، از دیدگاه دین، تاوانی سنگین دارد برای نمونه امام صادق (ع) در حدیثی به نقل از حضرت مسیح (ع) در مذمت به تأخیر انداختن درمان بیماران هشدار می دهد « کسی که درمان زخم دیده ای را واگذارد، ناگزیر شریک زخم زننده است چون آن که زخم زده، تباهی مجروح را خواسته و آن که درمان را رها کرده هم بهبود او را نخواسته است. پس اگر بهبودش را نخواسته ، خواستار تباهی او بوده است. »

همه اینها یعنی خوش خلقی، امیدبخشی، تشخیص صحیح، قبول مسئولیت و اقدام سریع و به موقع برای درمان بیمار، لطفی از سوی پزشک نیست بلکه وظیفه شرعی اوست و بنابر این وقتی پزشکی سفر خارج از کشور را به ادامه درمان بیمار ترجیح می دهد یا زیرمیزی می گیرد یا حاضر نیست به پرسش های بیمار نگرانش توضیح دهد یا رفتاری توهین آمیز با او دارد نه تنها اصول حرفه ای را زیر پا گذاشته بلکه خلاف دستور دین نیز رفتار کرده است و حتی اگر طوری رفتار کند که بتواند از چنگ قانون بگریزد، در آخرت باید در پیشگاه خداوند پاسخگوی رفتارش باشد.

جام جم آنلاین